

توسعه و تکامل تدریجی شاخه‌های مختلف علوم، بطور قابل ملاحظه‌ای اصول اساسی بودیسم (Buddhism) را تأیید و تصدیق می‌کند. نتایجی که بوسیله‌ی فیزیک جدید حاصل می‌گردد، خصوصاً در این مورد، روشنی و صراحت داشته و مؤید نظریه‌ی ماست. در میان عقاید اساسی نسبت به بودیسم که در این مقاله مطمح نظر است، ممکن است بطور خلاصه نیز از ناپایداری اساسی اصول تراکم و عدم ثبات ماده و روح که در نظر ما استحکام و دوام دارد، صحبت داشت.

حال بیائیم سریعاً ترکیب باطنی و درونی ماده را از آن جهات که بوسیله‌ی فیزیک جدید، حاصل می‌گردد مورد بازرسی و معاینه‌ی دقیق قرار دهیم. بر رغم عقیده‌ی عمومی، بر اثربسیات و تشابهات برجسته‌ای که استحقاق معاینه‌ی جدی دارند، ذهن ما در این زمینه روشن خواهد شد.

آنچه در آغاز نظر ما را بخود جلب می‌کند، سستی و کم‌مایگی‌ی صوراتی چون استحکام، هم‌جنسی، دوام و ثبات و بسی جنبشی ماده است.

برای مثال، بیائید یک تکه سنگ مرمر صیقلی‌شده را مورد معاینه قرار دهید. سطح صاف و صیقلی شده‌ی این تکه سنگ اثری از استحکام و دوام که در اصل مربوط به نقص حواس ماست، در ذهن ما بجای می‌گذارد.

این جسم نه بی جنبش است و نه با ثبات. اگر ما سطح این تکه مرمر صیقلی شده را زیر یک میکروسکپ قوی مشاهده کنیم، آن را زبر و ناهموار خواهیم یافت. و اگر آن را با مقیاس متفاوتی مشاهده نمائیم، با تعجب درمی‌یابیم که این تکه سنگ مرمر از اجزاء بسیار ریز و نامعینی که زیاد با یکدیگر پیوستگی نداشته و با سرعت فوق‌العاده‌ای در حرکت‌اند، ترکیب یافته است.

این ذرات ریز ملوکول (Mole culos) نام دارند و در هر ثانیه هزاران میلیون نوسان انجام می‌دهند. مثلاً ملوکولهای آتمی که بنظر ماسمبل پیوستگی، یکپارچگی، استحکام است، در هر ثانیه ۱۹۰۰۰ میلیارد نوسان انجام میدهد.

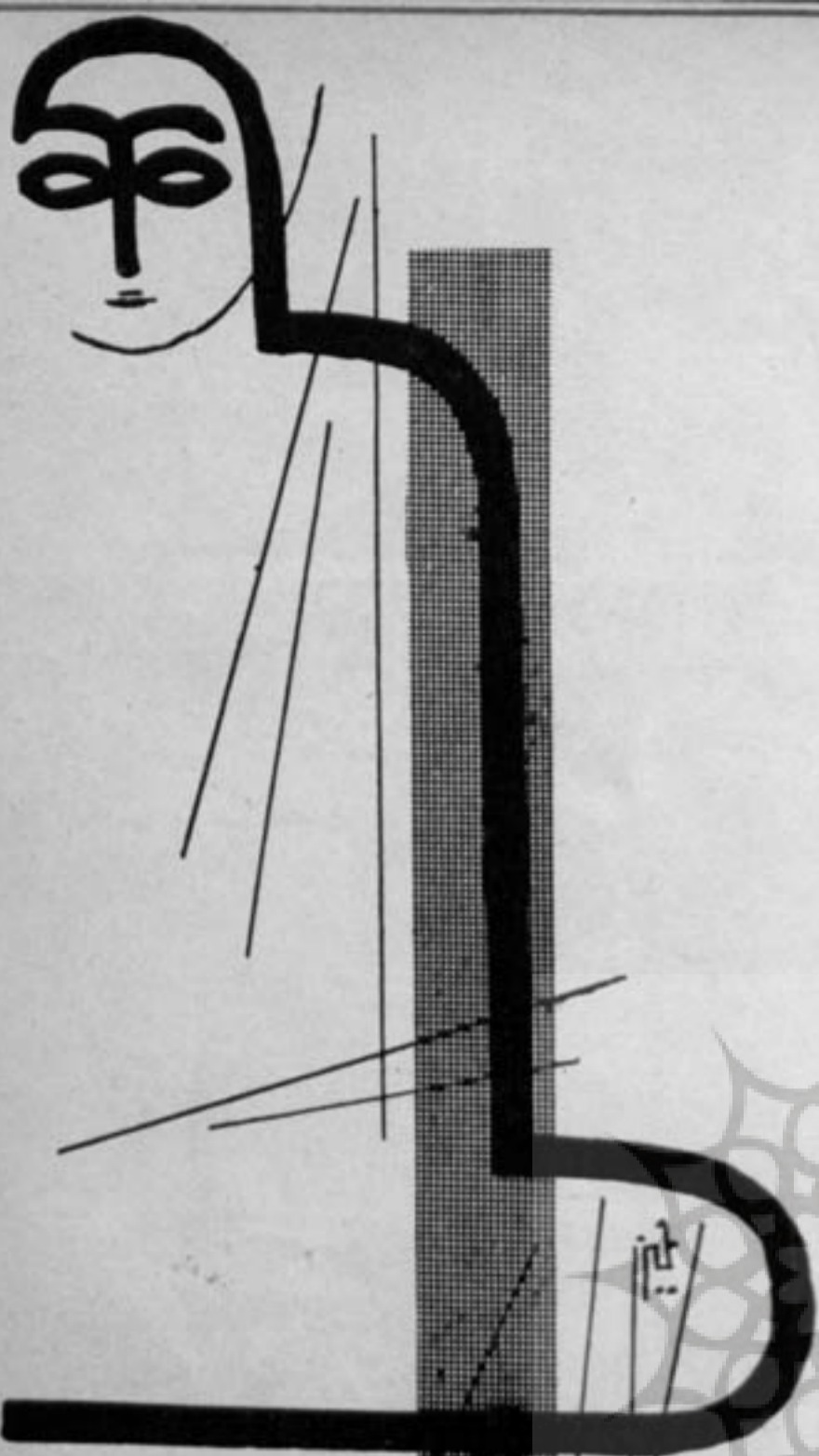
۱- بودیسم یک سیستم مذهبی و فلسفی است که در سرکر و شرق آسیا رواج و انتشار دارد. شالوده و اساس این سیستم، بوسیله بودا در قرن ششم قبل از میلاد در هند گذارده شده است. بودیسم می‌آموزد که زندگی صحیح، تفکر صحیح و ترک لذات نفس، روح و جان را قادر میسازد که به «نیروانا» دسترسی یابد. نیروانا یک حالت ربانی است آزاد از هر گونه درد، غم و هوس بدنی و دنیائی تمام.

یک تکه آهن از مولکولهای ترکیب یافته که عمدتاً توسط اتم‌های ذراتی که در آن تقریباً به ۸۰۰۰ میلیارد می‌رسد، اگر همین تکه آهن را تا بدرجه‌ی کداختگی حرارت دهیم، تعداد نوسانات آن پایدار و ثابت باقی خواهد ماند، اما میدان و وسعت آنها بیشتر خواهد شد، به عبارات دیگر، ملوکولها جای بیشتری را اشغال کرده‌اند، زیرا خطسیر آنها وسیع‌تر شده است، چون هر ملوکول بطور جداگانه جای بیشتری را اشغال می‌کند، این قطعه آهن نیز خود بخود در حجم زیاد شده و متبسط می‌گردد.

حال بیائید سفر خود را به داخل ساده ادامه دهیم و جلوتر برویم. بر اثر این سیر خواهیم دانست که خود مولکولها نیز از اجزاء کوچکتری ترکیب یافته‌اند که آنها را «اتم» می‌نامیم. بطوریکه ده میلیون آنها در کنار هم، اندازه‌ای برابر با یک میلیمتر می‌سازند. پس بر این پایه و ماخذ است که تمام ایده‌ی ما درباره‌ی یکپارچگی، پیوستگی، دوام، هم‌جنسی اتفاقی و اختصاصی ماده متزلزل می‌شود.

«اتم»‌ها ممکن است در حقیقت با منظومه‌های کوچک و خرد مقایسه شوند. همانطور که سیارات کوچک و خرد بدور یک سیاره‌ی بزرگتر در گردشند، اتم‌ها نیز به گردش یک هسته‌ی بنام «الکترون» دور می‌زنند.

فواصل بین اتم‌ها درست شبیه است با فواصل سیارات. به عبارت دیگر لطافت و ترفیق ماده در قلب و مرکز یک تیکه سنگ مرمر، به



# کیش بودا و علوم جدید

ترجمه‌ی: همایون نوراحمر

تناسب برابر است با فواصل بین سیارات . يك مثال بزنیم تا گفته‌ی ما برای شما روشن شود .  
 يك جسم مكعب شكل را كه از جنس مس است و هر طرف آن يك متر طول دارد ، در نظری می‌گیریم . این جسم در حدود ۷ هزار کیلو گرام وزن دارد . فیزیک‌دان مشهور ، ژولیو کوری مثال بهتری می‌زند . وی می‌گوید ، اگر شما هسته‌های اتم‌هایی را که بدن يك مرد هفتاد کیلو گرامی را تشکیل می‌دهد ، پهلوی هم جمع آورید ، آنچه بدست می‌آورید ، به اندازه‌ی حجم يکی از ذرات ریز گردو غباری خواهد بود که در هوا پراکنده شده است . پس بی جنبشی و بیحرکتی ظاهری اشیاء و اجسام ، تصویری موهوم و اغفال کننده است . در حقیقت الکترونها که ترکیب دهنده‌ی اجسامند ، در حدود دویست هزار تا شش میلیارد دفعه در ثانیه نوسان دارند . انجماد و بی جنبشی لکه سنگ مرمر صیقلی شده ، مانند برق و پوششی است که بر آن کشیده شده باشد ، اما اینکه این اجزاء مرموز چیست و چرا مادیت جهان بستگی بآن دارد ، خود مسئله‌ای است که باید در آن غور و بررسی نمود . پرنس لوئی دو بروگلی می‌گوید : «مقصود از ذره ، مرکزی از نیرو یا منطقه‌ای از نفوذ است که با سرعتی معین و تسوده‌ای عینی بحرکت در می‌آید»

در صورتی که اکثر مردم بر اثر کتب فیزیک که بما سیستم‌اتمی را بفورم استاتیک (ساکن) نشان می‌دهد ، از حقیقت غافلند . فیزیک مدرن ، که به‌طور برجسته‌ای ، علم ماده را تشکیل می‌دهد به کمک دی ماتریالیسم دنیای ماده را تشریح خواهد کرد . احساسات و درك ما که سکون و عدم حرکت ماده را نشان می‌دهد ، ناقص است و حقیقت آن است که هیچ چیز در دنیا بیحرکت و ساکن نمیتواند باشد . همه چیز در حرکت و جنبش بوده و همه چیز در حال ترانسفورمسیون و استحاله و تغییرات پی در پی و دائمی است . ادواک و احساس این حقیقت ، ما را بطور عجیبی به آموزش «بودیسم» نزدیک می‌سازد . اگر در ماده جلوتر رویم می‌بینیم که در سطح ماکول در ۱۰۰۰۰۰۰ ماده و یا جوهر مختلف موجود است . در سطح اتمیک ، ثابت شده که این اختلاف ماده و جوهر بوسیله‌ی ترکیبات مختلف ۹۲ رکن و یا اصل ساده که از سیستم‌های اتمیک تشکیل مییابد ، فراهم آمده است . اما بایک آنالیز دقیق‌تر معلوم می‌گردد که این ۹۲ سیستم اتمیک ، اختلافات در اعراض خود را مرهون تعداد متغیر و ترتیب يك جزء واحد و مجرد یعنی الکترون اند . يك الکترون کم و بیش در يك سیستم ، میتواند معین نماید که آیا يك ماده فلز درخشان است و یا يك مایع آبی رنگ و بایک گاز سبب فام . بر سطح اتمیک یا اجزای ترکیب کننده‌ی ۹۲ سیستم اتمی ، بر دو اصل متکی هستید : الکترون منفی (که بدور هسته‌ی مرکزی در گردشند) و الکترون مثبت که در میان هسته‌ها جای دارند . این ذرات گوناگون و حتی فواصلی که آنها را از هم جدا می‌سازد ، مظهر يك انرژی عظیم و پر جنبش‌اند . این انرژی بی‌نام که عاری از هر گونه عرض مخصوص است ، انرژی دنیای مادی ما را می‌سازد .

تمام کیتی ، از اتم تا ستاره ، باین انرژی فعال و عظیم که پرورش دهنده و ابقاء کننده‌ی تمام اشیاء و موجودات است ، مربوط میشود . به تناسب که جستجوی مابداخل ماده پیش میرود ، فرضیه و عقیده‌ی مردم در باره‌ی ماده ، دست‌تر می‌گردد . همانطور که پسر و فسورادوارد لروی در سخنرانی خود در کالج دو فرانس گفته است : «کیتی ساختمان عظیمی است که هر طبقه‌ی آن در جنبش و نوسان است ... دنیا مجموعه‌ی است از نوسانات» با توجه و اندیشه به نکات فوق ، متون قابل توجه بودیسم کاملاً روشنی گرفته و صراحت پیدا میکند . در حقیقت اگر ما به عبارات ملهم «چاک چن کی زندگی» و «فو شو - هینگ - سان - کینگ» اندیشه کنیم ، به جمله‌ی زیر می‌خوریم

آینه سحر آمیز

این دوبانوی زیبا در میان آینه پارابول (آنتن) مخصوصی قرار دارند که قادر است فم‌های مصنوعی را با امواج خود تعقیب نموده و حتی از کرات دیگر امواج الکتریکی صادره را ضبط نماید . قطر این آینه ۱۲ متر است و در ارتفاع ۱۸ متری بنا خواهد شد . در نزدیکی نیویورک این آنتن بکار انداخته میشود .

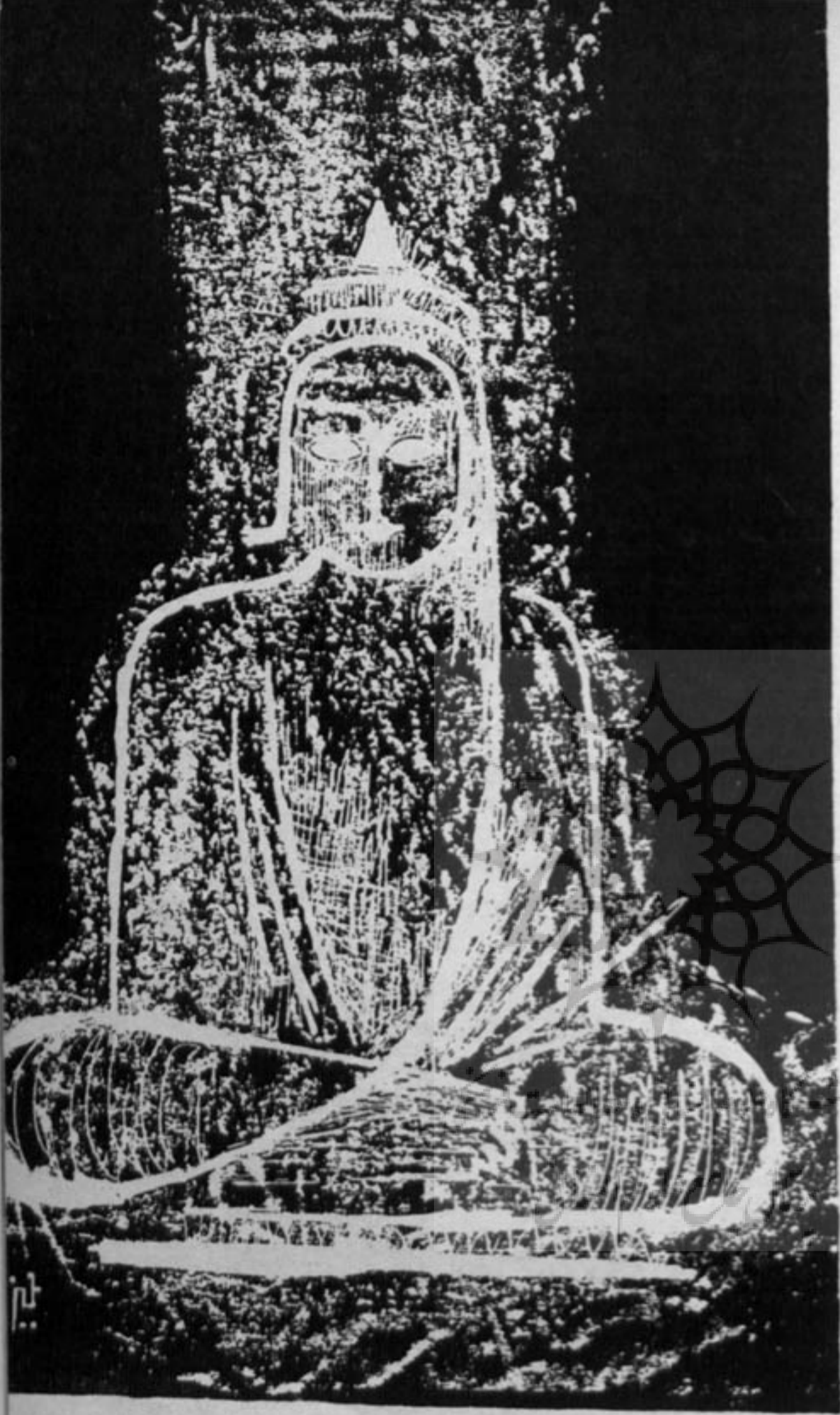


از بالا پائین: تلویزیون آرانسیستور

این تلویزیون زیبا در انگلستان ساخته شده است اندازه عکس آن ۱۸ سانتیمتر و خود تلویزیون قابل حمل است با آکومولاتور مخصوص میتوان ۴ ساعت متوالی برنامه این تلویزیون را تماشا نمود پس از آن مدت میتوان باطری تلویزیون را با اتصال ببرق شهر مجدداً پر کرد . اعراب ( راکت نشین )

این هفت نفر که بصورت هرب‌های بادیه نشین در آمده اند خلبانهای مخصوص برای پرواز باراکت میباشد - طی برنامه «مرکوری» یکی از این هفت نفر باراکت از محیط زمین خارج و دوباره بزمین رها خواهد شد چنانچه راکت مزبور اشتباهاً وارد صحراهای عربستان شود باید قبل خلبانان را با محیط گرم و سوزان این نقطه آشنا نمود . طی چهار روز آزمایش سخت این هفت خلبان حتی در مقابل گرمای سوزان صحراها نیز با موفقیت از عهده امتحان بر آمدند .

«بودا» ما را دعوت میکند که مشاهده  
خاموش‌زهن خود را بر راه صحیح اندازیم



است که با آن تظاهرات و جلوه‌ها در پی یکدیگر می‌آیند. وقتی که او  
باین مرحله از درک نایل میشود، مشاهده میکند که ناپایداری و عدم  
ثبات اشیاء، قانون کلی و مسلمی است و خطای سر ما، نتیجه‌ی عدم قدرت  
درک کامل ما در اشیاء است.



که میگوید: «یک درخت، یک سدک و یا یک حیوان، برای مدت نسبتاً طولانی،  
جرم سخت و با دوامی بنظر می‌آیند. اما مرید و شاگرد تعلیم‌یافته‌ی مکتب  
بودیسم میتواند توالی غیر منقطع و مداومی از تجلیات و تظاهرات در  
جسم درک کند؛ زیرا دوام و ثبات ظاهری اشیاء و جسم مولود سرعتی

## منظور و هدف غائی دردترین «بودیسم محض» آزاد ساختن شخص است از افسون فریب دهنده‌ی ظواهر اشیاء...

بودیسم ما را دعوت میکند که زندگی کنیم نه برطبق آنچه اشیاء بر ما ظاهر میشوند، بلکه برطبق حقیقتی که در ورای تظاهرات کم عمق و سطحی موجودات و اشیاء موجود است. فیزیک و پسیکولوژی هر دو در این مورد اتفاق دارند.

دوام و ثبات ظاهری و یکپارچگی در اصل زائیده‌ی تفکر و اندیشه است. بودیسم ما را برمی‌انگیزد که مشاهده‌ی شدید و درعین حال خاموش فعالیت ذهنی خود را که کشف کننده‌ی عدم دوام و ثبات مراحل هوشیاری و کلمه‌ی وجودی «من» و وقفه‌های موجودی بین افکار انسان است، برآه صحیح‌اندازیم.

در همین راه، همانطور که عدم توجه و دقت ما را وامی‌دارد تا شعله شمع را با دوام و بیحرکت تصور نمائیم، همینطور بر اثر عدم هوشیاری عقل و فکر و ناخود آگاهی است که برای کلمه‌ی وجودی «من» نیز گمان دوام و سکون می‌کنیم اما اگر دقیق‌تر توجه نمائیم، خواهیم دید که شعله‌ی شمع نه ساکن است و نه بادوام و نه پیوسته. این شعله دائماً دستخوش تغییرات بی‌در پی است. شعله‌ی مولکولهای ماده شمع را که با اکسیژن هوا ترکیب می‌شود، روشن نگاه میدارند و می‌سوزانند.

آموزندگان بصیر عقیده دارند که «من» وجودی چون شعله‌ی شمع می‌سوزد و خمیره این «آئی هوشیاری» بوسیله‌ی تفکرات و احساسات تشکیل می‌یابد.

یک روان‌شناس هندی کریشنامورتی میگوید:

«اندیشه و تفکر تعبیر نفس‌گریز می‌ما برای تکهداری و حفظ است.»

بودیسم ما را برمی‌انگیزاند تا کشف کنیم بچه‌ی می -

## اندیشیم، چگونه می‌اندیشیم و چرا می‌اندیشیم.

اینها ارکان اساسی یک مسئولیت رفیع‌تری است که به دنیای ناستوار و عدم ثبات بخشیده و باعث نابودی‌اش می‌گردد.

چرا انسان اندیشه میکند؟ چرا نا آگاهانه، بدون تعمد میل به اندیشه دارد؟ چرا عقایدی ابراز میدارد و تصوراتی برای خودش دارد؟

تنها به سبب یک غریزه و محرک آئی برای بقای نفس (Sef-Pre) seruabiin است و این غریزه در هر لحظه‌ای از زندگی ما وارد عمل شده و احساس ثبات در ما ایجاد میکند.

بر اثر تجسس و تکیا و مرید میتواند پرده از روی این کمده پایدار که در آن غریزه فریبنده برای حفظ و نگهداری «من» وجودی در کار است، بردارد. او بعدد معرفتش پیهودگی همه‌مظاهر حیات را آشکار می‌سازد و سلسله‌ی بی‌پایان رنج و مشقت را که بدنهای جهالتش دامنگیر وی میشود بطور وضوح می‌بیند و مورد بررسی قرار می‌دهد.

در این لحظه که مکاشفه و الهام عالی نیروانا بر ماتجلی میکند، در عالمی از تعجب، مرید بددک مظهری از واقعیت که طبیعتش نامعلوم است، نایل میگردد.

یک حکیم هندی بنام رامانا مهارشی میگوید: «چنین مریدی خوب شدن را دوباره باز نمی‌یابد»

«نیروانا» بمعنای فسخ و الغاء است. اما فسخ و الغاء چه؟ «نیروانا» اشتیاء «من» وجودی را فسخ و الغاء میکند؛ فکرنا بجای ثبات را بوسیله‌ی آزاد ساختن انسان از قید و بند جهالت و نادانی - که ما در تمام بندگیهاست - در هم می‌شکند.

«نیروانا» منبع لایزال و فیاضی است که در آن دانش و عشق به حد اعلای خود میرسند. به عبارت دیگر «نیروانا» حالتی است از هستی که در آن تمام دوگانگی‌ها از میان رفته است. نیروانا و «سامارا» گرچه برضد هم کار میکنند با این حال هر دو جنبه‌های متمم و مکمل «حقیقت» اند. هر آنکس که باین طریق خوب شدن را آزاد سازد، خواهد توانست در جهان خوشبخت زیست کند. زیرا وی تمام ظواهر فریبنده و دروغی را که بشر پیوسته گرفتار و اسیر آن است، بدور افکنده و بیه کنه و معنا اندیشیده است.

یک دانشمند دیگر هندی میگوید:

«وجود ما مانند چنگ است. هر چنگ سه سیم دارد؛ سیم مادی سیم احساساتی و سیم ذهنی و عقلانی. وقتی مادر حالتی از جهالت فرار می‌گیریم، سیم‌ها در میان خود بر جستجوی مقصد و هدف می - پردازند و نتیجه‌ی آن ناهم‌آهنگی و اختلاف خواهد بود. اما وقتی که ما به مقام «خوب و عمیق دیدن» نایل میشویم، سیم‌ها آزادی و فراغت خود را از ظواهر فریبنده بدست آورده و اصوات ایجاد شده دیگر ناهم‌آهنگ و ناجور نخواهد بود. سیم‌ها هماهنگ میشوند و هنرمند بزرگ بوسیله‌ی آن آزادانه احساس درون را آشکار می‌سازد و بیان مقصود میکند.

ذات مکاشفه‌ی مردان دانش و خرد در متن و نص مکتب «بودیسم» قرار دارد.

«بودیسم» رمز سعادت و خوشبختی حقیقی را به ما نشان داده و انسانها را از کمراهی و جهالت میرهاند.

## اتومبیل سه چرخه



در آینده نزدیک اتومبیلهای آمریکائی بدون شاسی خواهد بود - هم اکنون آزمایشاتی صورت میگیرد که مقاومت این نوع اتومبیلها را در هنگام مسافرت بسنجند. اتومبیل مزبور بهمین منظور فاقد چرخ طرف راست است و در عوض در صندوق عقب ۱۰۰۰ کیلو وزن قرار داده شده است. بدین ترتیب مسافتی را از شیکاگو تا دیترویت با سرعتی معادل ۷۲ کیلو متر در ساعت با آن طی شده است.